

میدون و سوفیا

وضعیت تخم‌مرغ

● **بوريا عالمی:** ایلنا گزارشی داده از هزینه‌های زندگی کارگری و گفته که «تخم‌مرغ ماشینی» مرداد سال گذشته کیلویی شش‌هزارو ۵۰۰ تومان بوده و الان کیلویی ۱۰ هزار تومان است و این یعنی ۵۴ درصد رفته روی قیمت تخم‌مرغ ماشینی. این گزارش چنتا حسن داشت:

انواع تخم‌مرغ:اول اینکه ما فهمیدیم کارگرها تخم‌مرغشان هم ماشینی است مثل فرش‌شان. خوشبختانه تخم‌مرغ طبقه مرفه کار دست است.

دانه‌ای یا کیلویی؟دوم اینکه ما فهمیدیم در کشور تخم‌مرغ را کیلویی حساب می‌کنند، درحالی‌که ما تا الان دانه‌ای می‌شودیم که خود این جای خوشحالی دارد، چون نشان می‌دهد واحد تخم‌مرغ بیشتر از یکی، دوتااست و کشور از لحاظ تخم‌مرغی پیشرفت محسوسی داشته است.

تحلیل تخم‌مرغی: سوم اینکه ما فهمیدیم همه مسئولان و اقتصاددانان ما تحلیلشان ارزی و سکه‌ای است، اما نتیجه تخم‌مرغی دارد، درحالی‌که اگر درست تحلیل کرده بودند، ما مردم به‌جای اینکه برویم سکه و دلار بخریم، باید می‌رفتم تخم‌مرغ می‌خریدیم که ۵۴ درصد سود کنیم.

اخلال تخم‌مرغی: چهارم اینکه ما فهمیدیم در هر چیزی یک حکمتی هست، چون شما فکر کن اگر سال گذشته تحلیلگران می‌گفتند دلار و سکه نخرید که تخم‌مرغ ۵۴ درصد سود خواهد کرد، آیا همه ملت الان دست‌به‌شانه‌تخم‌مرغ نبودند؟ و آیا توی اخبار جای اینکه بگویند فلانی را با یک مشت سکه طلا گرفتند که داشته بازار ارز را می‌اخلایده، باید می‌گفتند فلانی را درحالی‌که در دست شانه تخم‌مرغ داشته توی بازار دستگیر کرده‌اند.

هر دست یک تخم‌مرغ: از طرفی با توجه به تورم موجود، شما بروید بازار نگاه کنید مردم هیچ چیزی نمی‌توانند بخرند و نهایی‌ا می‌توانند توی بازار تخم‌مرغ بگیرند یا با تخم‌مرغ‌هایی که دستشان گرفته‌اند برمی‌گردند سمت خانه. آن‌وقت آیا تشخیص کسانی که دارند بازار تخم‌مرغ را می‌اخلانند و کسانی‌که چاره‌ای جز اقتصاد تخم‌مرغی ندارند، ساده بود؟

جمع‌بندی:سوفیا... عشقم... یک مرغه داشت توی مزرعه می‌دوید و در می‌رفت. بهش گفتند برای چی فرار می‌کنی؟ گفت هر کسی پنج‌تا تخم‌مرغ داشته باشد یا در روز بگذارد کبابش می‌کنند. بهش گفتند خب تو مگر پنج‌تا تخم‌مرغ گذاشتی امروز؟ گفت: نه! اما اینها اول کباب می‌کنند بعد می‌شمارند. عاشق بی‌تخم‌مرغ تو! میدون دوم

سرتق روزنامه

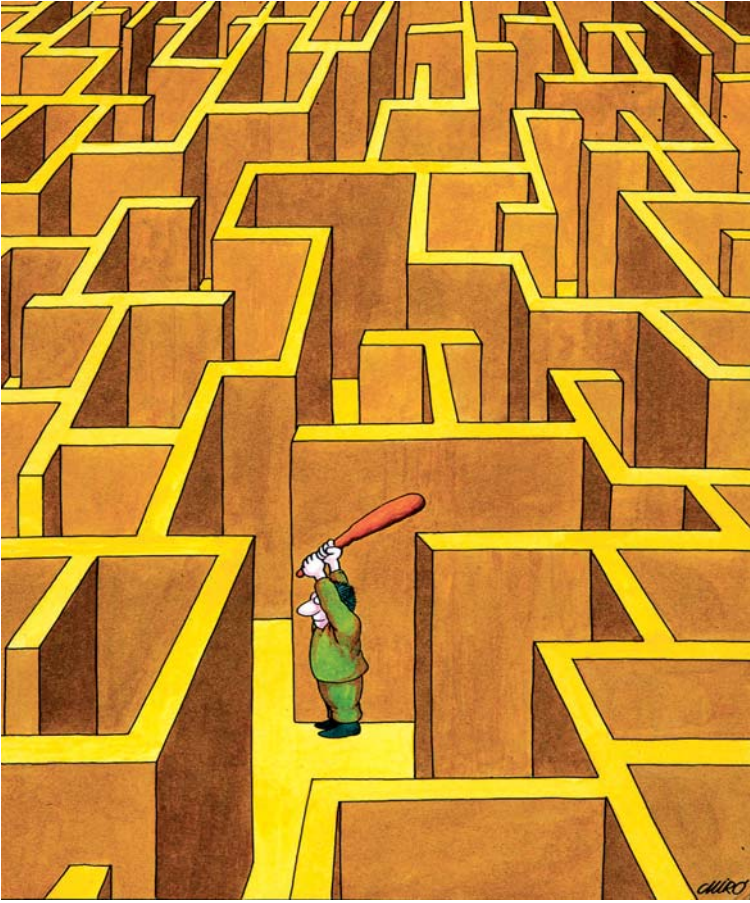
www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ • ۲۰ محرم ۱۴۴۰ • ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۴۲ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۵ • اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۵

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

میرو استفانویویچ



شهادت عزت‌آین اسلام

همزمان با ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)
تشییع پیکر ۱۳۵ شهید گمنام دفاع مقدس

﴿السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلَی الْأَرْوَاحِ الَّتِی حَلَّتْ بِضَائِكَ عَلَیْکُمْ مِنْی جَمِیعاً سَلَامَ اللَّهِ اَبَدًا مَا بَقِیَتْ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهَارُ﴾

مراسم تشییع شهدا در تهران
پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۹۷
ساعت ۹ صبح
دانشگاه تهران
مراسم وداع باشندادر تهران

چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷
همزمان بانماز مغرب وعشاء
موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
❖ (بزرگراه شهید حقانی)

مراسم تشییع در استان های
آذربایجان شرقی ❖ **خراسان رضوی** ❖ **فارس** ❖ **کرمانشاه**
اصفهان ❖ **خوزستان** ❖ **کرمان** ❖ **مازندران**
دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۷



سازمان تبلیغات اسلامی



بهرام دبیری

جلوی سرقت آثار هنری را ظاهر نمی‌توان گرفت و این کار لاقابل در ایران عملاً نشدنی به نظر می‌آید. اگر منظور از سرقت آثار هنری این است که کسی یک تابلو یا اثر هنری را بدزد، قصه‌ای است که من پارسال به آن دچار شدم و متأسفانه به هیچ جایی نرسید و اگر منظور برداشتن آثار دیگران و کپی‌کردن، با تغییراتی یا بدون تغییرات به نام خود شخص است، این کار هم دزدی است و با شکل اول هیچ فرقی ندارد.

واقعاً صحبت دراین‌باره دشوار است. برای اینکه در آن ابتدایی هست و لاقابل در نمونه‌هایی که در این چند سال دیده‌ایم، این ابتذال وجود دارد، یعنی هنرپیشه‌ای که فکر می‌کند عکاس هم است، هنرپیشه دیگری که فکر می‌کند مجسمه‌ساز است و آن یکی که فکر می‌کند نقاش است. به نظر من به یک اعتبار یک علت ناکامی‌های این



متین کاخ‌ساز

تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هنر و علم با اخلاق (Morality)، اکنون، نزد نظریه‌پردازان و فلاسفه، تقریباً به اجماع، پذیرفته شده است. هنر به‌منزله امری که موجب پالایش درون (کاتارسیس) می‌شود،از زمان ارسطو تاکنون مطرح بوده است: «هنر مانند تصفیه‌کننده‌ای عاطفی عمل می‌کند و عواطف را می‌پالاید» (هاسپرس،۱۳۶). از سوی دیگر، هنر با نمایش دادن شخصیت‌ها و افراد در میان بحران‌ها و تعارضات، نظرها اخلاقی ما را پرورش می‌دهد (کرول،۵۸). در این میان ادبیات و رمان و شعر که در ذات خود نوع والایی از اقسام هنرها محسوب می‌شوند، به لحاظ آنکه به مدد تخیل، ما را در موقعیت شخصیت‌ها و افراد قرار می‌دهند، در مراتبی نسبت به دیگر هنرها، برتری دارند، چراکه «موقعیت اخلاقی را در متن تمام‌وکمال آن ارائه می‌کنند» (هاسپرس،۱۳۵). با خواندن شعر یا رمان و ذقت در موقعیت‌های اخلاقی وصف‌شده در آنها، تدبیر اخلاقیات، درون خواننده رشد می‌کند. از سوی دیگر، اگر ادبیات را حتی از مقوله علم بدانیم، باز بر اخلاق واحکام اخلاقی تاثیرگذار است و از جهت دیگر هم اخلاق روی آن تاثیرگذار. اخلاق در همین جهان که علم در آن تقرر دارد واقع می‌شود: «اگر اخلاق به رفتار ما مربوط می‌شود چگونه می‌توانیم از بررسی علمی جهانی که این رفتار در آن تحقق می‌یابد صرف‌نظر کنیم؟» (اتینکسون،۱۳۸). نکته دوم آن است که وقتی دانشمند و فیلسوف و هنرمند در تبیین یک متن یا توصیف واقعه با توجه به ذهنیات قبلی خود که به‌نوعی با مفاهیم اخلاقی مورد قبول فرد در ارتباط است، می‌پردازد، الزاماً برخی از جنبه‌های یک امر را گزینش می‌کند و ناخودآگاه دست به نوعی مرزگذاری می‌زند. استاد ادبیات می‌تواند از خوانش دیوان حافظ مثلاً جنبه‌های ادبی هنری محض را پررنگ ببیند و درنهایت «لذت‌گرایی و التذاد محض» از حافظ برای او دغدغه شود یا جنبه تروپرس‌ستیزی و وجوه اجتماعی آن برای او پررنگ شود یا فیلم‌ساز و نمایش‌نامه‌نویس نیز، به منزله هنرمند، فرایند مشابهی را طی می‌کند؛ آنچه در لایه‌ای متون خوانده یا آنچه در متن زندگی برای او پررنگ‌تر است، همان را گزینش می‌کند و نمایش می‌دهد. این مسئله نشان می‌دهد که «ذهنیت علمی از سرشت تبیین علمی نیز اثر می‌پذیرد» (کاروانا،۱۷۲). درنتیجه، برای مثال، تبیین لذت‌گرایانه از حافظ (با پررنگ قلم‌ادکردن این وجه از شناخت حافظ)، ناشی از لذت‌گرایی اخلاقی است. از سوی دیگر اخلاق برای هر چیز قیدوبندی می‌گذارد: اخلاق باور، اخلاق پزشکی، اخلاق ورزش و معلوم است که علم بی‌بندوبید اخلاق چه آثار مخربی خواهد داشت و وسیله‌ای خواهد بود برای از درآوردن دیگران. این مقدمه بسیار فشرده را آوردن تنها نقل یک خاطر عمکین و گزارش یک واقعه شیرین که مقصود این نوشته است، با دلایل توأم هنر و اخلاق مؤکد شود. سال‌ها پیش وقتی تازه در رشته ادبیات و زبان فارسی از دانشگاه علامه طباطبائی فارغ‌التحصیل شده بودم، به‌واسطه دوستی و شاگردی دیرینه با یکی از استادان بسیار بزرگ ادبیات، به دانشگاه محل تدریس ایشان رفتم. تزاره از کلاس بیرون آمده بودند و خیل شاگردان در پی، جلو رفتم و سلام کردم. ایشان هم بنده را محترمانه پذیرفتند. خدمتشان عرض کردم اگر امکان دارد نامه و دستخطی در باب صلاحیت علمی بنده

یادداشت

وقتی می‌گوییم سلبریتی، درباره چه کسی حرف می‌زنیم؟

دستگاه‌های ارتباط جمعی بر سر زبان‌ها می‌افتد و اغلب به نظر من مفهوم خاصی ندارد و گاه مفهوم خیلی منفی و مبتذل‌لی دارد. اینکه هوادارانی به اسم امضافرقن یا آنکه چون این اثر متعلق به فلان شخص است، بخرند یا تشویق کنند یا حتی گالری‌داری بپذیرد که این کارها را روی دیوار ببرد، همه این کارها نشان از یک ناپسامانی دارد، چه از طرف اشخاصی که این دزدی یا سرقت را انجام می‌دهند و چه از طرف مطبوعات، گالری‌ها یا جاهایی که به آنها فرصت می‌دهند و چه جامعه‌ای که به نظریه این امور جذاب می‌آید و آن را جزء آزادی‌ها می‌داند و از ایس حرف‌های بی‌ربط و بی‌معنا. به‌هرحال این اتفاقی است که می‌افتد و ظاهراً اجتناب‌ناپذیر است و کاری هم نمی‌توان کرد. من امیدوارم این خانم‌ها و آقایانی که هر از چندی انگشت در سوراخ‌های دیگر مانند هنر، نقاشی، عکاسی و هر کار دیگری می‌کنند، یک‌دره تلاش کنند تا در حرفه خودشان به جایی برسند. این راه‌ها ممکن است موقتاً سرصودا، جذابیت و لایه‌ای که شیدایان سلبریتی هستند، داشته باشد ولی در واقع جز یک گردوخاک مزاحم، اتفاق دیگری نیست.

روز ملی سینما

در ستایش امر اخلاقی

اصغر فرهادی: «به خط و امضای آقای فرهادی و به اسم تک‌تک دانش‌آموزان، به آدرس‌م فرستاده شد؛ بی‌هیچ هیاهو و حاشیه و حتی رسانه و خبری. نمی‌دانم آقای فرهادی چقدر حافظ و مولوی خوانده‌اند؛ اما اگر حاصل و نتیجه حافظ و مولوی خواندن، امثال آن استاد یادشده شود، همان بهتر که ایشان و همه ماترک دیوان حافظ‌ها و مولوی‌ها کنیم؛ اما اهلش می‌دانند که: «ز آنکه از قرآن بسی گمراه شدند؛ ز آن رسن قومی درون چه شدند. مَر رَسَن را نیست جُرمی ای عَنود/ چون تو را سودای سَر بالا نبود» (مولوی، ۴۲۱ و ۳۲۴۱۰). مشکل ذات هنر یا آثار هنری نیست؛ بلکه ذهنیت غیراخلاقی فرد است که تبیین‌هایش از خواننده‌های ادبی و غیر ادبی، او را چنان دچار بزرگ‌بینداری و دروغ‌هایی در قبال خویشتم می‌کند که ردبلیتی از این دست، یعنی دشنام از زبان خویش را در حق دیگران، فضیلت می‌پندارد؛ اما این‌سان اخلاقی زیستن فرهادی، مجسم همان بیت حافظ است که سرود: نیکي به جای یارآن فرصت شمار بارا! (حافظ شیرازی، ۱۹۸). فرهادی بارها و بارها گوهر و جواهر هنر ادبیات را بیشتر از دیگران در وجود خود دریافته است. آن‌گونه که بنده جناب فرهادی را دراین برخورد، دریافتم، ذهن و قول و فعل و هنرش هر چهار بر هم منطبق بود و هر چهار اخلاقی. هنرش نیز موجب پالایش درونش شده است. اینکه متن تایی برغلط دانش‌آموزان یک منطقه فرودست را تمام و کمال و با وجود مشغله خوانند (متن تئایی را همان‌گونه با اغلاط برای ایشان ارسال کردم تا آینه سطح کار دانش‌آموزان باشد) و بی آنکه هیچ درخواستی از سوی دانش‌آموزان مطرح شده باشد، برای هرکدام دستخطی به یادگار نوشت؛ حتی برای دانش‌آموزی که فیلم و سینما را آلت دست شیطان نامیده بود، تأییدی است بر اینکه در زندگی همان‌گونه است که در فیلم‌هایش یافتیم و دغدغه اخلاق و امر اخلاقی را دارد. فیلم‌هایش معدود است و عمیق و نه انبوه‌ساز و عقیم بر از تکرار مکررات. فیلم‌هایی که بی‌ادعا ساخته می‌شوند آن‌هم بی‌ادعاست. هنر برای فرهادی فروغلتیدن در التذاد و لذت یا بیان زیبایی و وجوه جمال‌شناسی محض نیست. زیبایی برای او در فیلم‌ها البته رفتاراش، در گرو بیان اساسی‌ترین مسائل اخلاقی است که جهان شمول هستند؛ مسئله دروغ (در فیلم درباره الی و نیز جدایی نادر از سیمین) که بُن بسیاری از ردبلیت‌های دیگر است؛ گذشت و ایثار؛ فراتر از وظیفه (Supererogation) در فروشنده، همان‌گونه که نقش عماد، درآرخ، فراتر از وظیفه اخلاقی خود رفت و کُرم نشان می‌دهد. هنر فرهادی هم وصف و تبیین این موارد است. این سطور را می‌توان اشاره‌ای کوچک از انطباق هنر او با فعلش دانست. اخلاق او ایجاب می‌کرد مانند معتقدان به «اخلاق وظیفه»، همواره و تحت هر شرایطی، امر اخلاقی باید انجام شود (رک: ریچلز، ۱۸۰) و نیکي برای او یک وظیفه بود.

شاید در ابتدا لزومی برای ذکر خاطره اول بنده به نظر نرسد؛ اما حقیقت اسف‌بار آن است که فرهادی اندک است و استادان بسیار! ذکر فرهادی و فضلش در کنار نمونه‌هایی بدیل و ردبذل او در عوالم هنر، تصویری واقعی از امروز جامعه ماست و جز با نمایاندن آن نمونه‌ها، ارزش کار فرهادی نمایان نمی‌شود. خوشحالم که آن روز آن استاد، آن دستخط را نوشت و خوشحالم که اکنون فرهادی آن ۳۰ دستخط را نوشت و ۳۰ دانش‌آموز را خوشحال کرد و خوشحال‌ترم که «فرهادی هست».

بر اهل معنی شد سخن اجمال‌ها تفصیل‌ها...

پیشنهاد

شهر و دوچرخه؛ رویکردها و تجارب

تهران، یعقوب آزادهدل از دید یک مدیر شهری، علی آخرتی از دید یک کنشگر شهری و صدرا وجدانی از تجربه بازچرخ سخن می‌گویند.

گفتنی است خانه گفتمان شهر (خانه وارطان) در تهران، میدان فلسطین، ابتدای طالقانی غربی، شماره ۵۱۴ واقع شده است.

خانه گفتمان شهر با همکاری «بازچرخ»، نشست «شهر و دوچرخه؛ رویکردها و تجارب» را برگزار می‌کند. به گزارش روابط‌عمومی خانه گفتمان شهر، در این نشست که امروز، ۲۱ شهریور، ساعت ۱۷ برپا می‌شود، شهاب‌الدین کرمانشاهی از دید یک استاد دانشگاه، الهام فخاری از دید عضو شورای شهر

